

بررسی سبکی دیوان ملا منوچهر کولیوند

یوسف‌علی بیرانوند (نویسنده مسئول)^۱؛ علی‌اشرف میرزایی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۲ بهمن ۱۴۰۱؛ صص. ۵۱-۶۴

DOI: <https://doi.org/10.34785/J09.2022.004>

چکیده

ملا منوچهر کولیوند از شاعران لک است که در زمان قاجار زندگی می‌کرده است. هدف این پژوهش آن است که با روش توصیفی-تحلیلی اشعار ملا منوچهر را بر اساس سطوح سبک‌شناسی مورد بررسی قرار دهیم. پس از بررسی اشعار وی، به این نتایج دست یافتیم: ۱- سطح زبانی: الف) سطح آوایی: ملا منوچهر از وزن‌های عروضی به جای هجایی استفاده کرده و قافیه‌های عربی، فارسی و لکی را به کار برده است. ردیف‌های شعر او بیشتر لکی است. انواعی از جناس، سجع و واج‌آرایی در شعر او دیده می‌شود. ب) سطح لغوی: گاهی ملا منوچهر واج «ه، ت، ب» پایانی و «د» میانی و پایانی را از واژه‌ها حذف می‌کند. تبدیل واج «ز» به «ژ» که در لکی رایج است، در دیوان ملا نیز وجود دارد. واژه‌های کهن لکی که اکنون کاربرد کمی دارند در دیوان وی دیده می‌شوند. وی واژه‌های عربی را نسبتاً زیاد به کار برده است. تعداد کمی واژه ترکی و نیز واژه‌های کهن فارسی در دیوان ملا وجود دارد. ج) سطح نحوی: ملا منوچهر فعل‌های لکی را بیش از فعل‌های دیگر زبان‌ها به کار برده است. وی از برابر‌نهادهای لکی «این» و «آن» و ضمیر اول شخص لکی استفاده کرده است. ۲- سطح ادبی: تشبیه، مجاز، کنایه، استعاره، تلمیح، تضمین، مراعات نظیر، اغراق، تضاد و تنسیق الصفات نیز در دیوان ملا منوچهر دیده می‌شود. ۳- سطح فکری: مضامین شعر ملا، وصف پیری، ستایش، توصیف بهار، ساقی‌نامه، شادی‌گرایی و توصیف طبیعت است.

کورتیه

ملا منوچهر کولیوند به‌گونه‌ای که شاعرانی لک که له سرده‌می قاجاردا ژیاوه. مبه‌ستی نهم لیکوژینه‌ویه نه‌ویه له شیعره‌کانی ملا منوچهر له‌سهر بنه‌مای ناسته شیوازیبه‌کان به میتودینکی وه‌سفی-شیکاری بکوژرتیه‌وه. دوی پشکنینی شیعره‌کانی گه‌شیتینه نهم نه‌نجامانه: ۱- ناستی زمان: ۱) ناستی فونیتیک: ملا منوچهر له‌بری بزوین، کیشی عه‌روزی به‌کاره‌یناوه و قافیه‌ی عه‌ره‌بی، فارسی و له‌کی به‌کاره‌یناوه. دپره‌کانی شیعره‌که‌ی زیاتر له‌کی‌ین. له شیعره‌کانیدا جوری جوراوجوری قسه‌ی زل و قسه‌ی زل و فونیم دهبینرت. ب) ناستی وشه‌بی: هندیگ جار ملا منوچهر «ئی، ت، ب» کوتایی و «د» ناوهراست و کوتایی له وشه‌کاندا لادبات. گزیرینی فونیمی ز بوژ که له له‌کی باو بووه، له دیوان ملا هه‌روه‌ها دهبینرت. وشه کونه‌کانی له‌کی که تینستا سوودینکی که‌میان هه‌یه له کتینه‌که‌یدا دهبینرت. زور وشه‌ی عه‌ره‌بی به‌کاره‌یناوه. له دیوان مه‌لادا ژماره‌یه‌کی که‌می وشه‌ی تورکی و هه‌روه‌ها وشه‌ی فارسی کون هه‌یه. ج) ناستی رسته‌سازی: ملا منوچهر زیاتر له فعل زمانه‌کانی تر فعل له‌کی به‌کاره‌یناوه. هاوتاکانی لیزی «نهمه» و «نه‌وه» و جیگره‌وی که‌سی یه‌که‌می له‌کی به‌کاره‌یناوه. ۲- ناستی ته‌ده‌بی: ته‌مسیلی، مؤله‌ت، تیرونی، میتافور، ناماژه، گه‌رنتی، ره‌چاوکردنی نمونه، زیاددپروی، کونتراست و هه‌ماهه‌نگی سیفاته‌کانیش له دیوان ملا منوچهره‌هاردا دهبینرت. ۳- ناستی هزری: ته‌وه‌ری شیعری ملا بریتین له وه‌سفرکردنی پیری، ستایش، وه‌سفرکردنی به‌هار، ساقینامه، دلخوشی و وه‌سفرکردنی سروشت.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: ملا منوچهر کولیوند؛ له‌کی؛ شیوازیناسی؛ فه‌له‌ویات.

واژگان کلیدی: ملا منوچهر کولیوند؛ لکی؛ سبک‌شناسی؛ فه‌له‌ویات.

۱- مقدمه

سبک یا ستابل از ستیلوس یونانی مأخوذ است، به معنای آلتی فلزی یا چوبین که به وسیله آن حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می‌کرده‌اند. ایرانیان هم به «قلم»، معنایی شبیه به سبک می‌دهند و می‌گویند: «فلان کس خوب قلمی دارد» (بهار، ۱۳۷۸: ۲۵). سبک «حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلی می‌کند و هر دید ویژه‌ای در زبان ویژه‌ای رخ می‌نماید» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۵). به عبارت بهتر، سبک هر کس، روشی

است که برای بیان اندیشه خود برمی‌گزیند، مشروط بر این که این روش را خود ابداع کرده باشد؛ یا حداقل با روش دیگران متفاوت باشد (محبوب، ۱۳۷۱: ۵۱-۴۹). از نظر لیچ^۱ سبک عبارت است از «شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله شخص معین، برای هدفی مشخص» (Leech, 1981: 10) به نقل از فتوحی، (۱۳۹۱: ۳۴).

برای بررسی یک متن به لحاظ سبک‌شناسی در دو بعد صورت و معنا، جهت تجزیه و تحلیل اثر، یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌ها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات مورد بررسی قرار دهیم؛ تا بدین وسیله بتوان به اجزای تشکیل‌دهنده متن اشراف یافته، ساختار متن را با توجه به رابطه اجزا با یکدیگر بفهمیم (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

در این پژوهش قصد داریم به بررسی سبک‌شناسانه اشعار ملا منوچهر کولیوند بپردازیم. هدف بررسی سبکی اشعار او در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است. روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌بردای است.

او از شاعران فهلویات‌سرای دوره قاجار است که سبک شعری او آمیخته‌ای از فارسی، لکی، کردی میانی، ترکی و عربی است. «فهلویات (مفرد آن فهلویه، معرب صورت فارسی پهلوی به معنای اولیه آن، یعنی پارتی) نامی است که به‌ویژه بر دوییتی و توسعاً بر اشعاری اطلاق شده که به طور کلی به گویش‌های کهن نواحی پهل/فهل شامل غرب، مرکز و شمال ایران سروده شده‌اند» (تفضلی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). بیشتر شاعران این‌گونه از «اشعار، ناشناخته مانده و شعرشان به دلیل افواهی و غیرمکتوب‌ماندن به شاعران بی‌نام یا بانام منسوب کرده‌اند» (حسینی‌کازرونی، ۱۳۷۹: ۴۹). خوشبختانه دیوان ملا منوچهر به همت یکی از نوادگان وی به نام منوچهر نورمحمدی به چاپ رسیده و از چنین بلایی محفوظ مانده است. ملاک بررسی شعر ملا منوچهر در این پژوهش همین دیوان خواهد بود. بررسی شعر شاعرانی که زبان‌شان نزدیک به زبان عامه است، باعث می‌شود بهتر دگرگونی زبان و ادبیات را متوجه شویم. از طرف دیگر می‌توان فرهنگ عامه را بهتر شناخت.

۱-۱- پیشینه پژوهش

در زمینه سبک‌شناسی شعر لکی تا به حال اثری نوشته نشده است. با این حال آثاری در زمینه صور خیال و توصیف در شعر لکی نگاشته شده است که از آن جمله است: چگنی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای صور خیال را در اشعار چند تن از شاعران لک‌زبان بررسی کرده است. محمودی‌حیدری (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای به بررسی تطبیقی توصیف طبیعت در دیوان ملا منوچهر و منوچهری دامغانی پرداخته است.

۱-۲- ملا منوچهرخان کولیوند

ملا منوچهرخان کولیوند با نام خانوادگی نورمحمدی (زاده ۱۲۲۹ هـ ق در الشتر) از شعرای لک‌زبان، مشهور لرستان است.

¹ Leech

از اشعار ملا منوچهر نمایان است که او شخصی ادیب و فرزانه در زمان پادشاهی فتح‌علی شاه قاجار بوده است. این شاعر عارف را به سبب مدح‌های بسیار اهل بیت به شاعر لک‌زبان اهل بیت می‌شناسند. شعر وی عروضی، آهنگین و روان است. بیشتر اشعارش تلفیقی است از اصطلاحات لکی، کردی، فارسی، عربی و ترکی که با فنی آمیخته از عرفان و تفسیر، معجونی دلپسند به وجود آورده است که سرشار از صنایع بدیع و ظرایف لطیف لفظی و معنوی است. این عارف نامی، شاعری عالی‌مرتب بوده که توانایی‌های شایانی در سرودن اشعار به گونه لکی داشته است (نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱-۹).

منوچهر از سنین جوانی به سرودن شعر مشغول شده و تا سن پنجاه و هشت سالگی دیوانی بزرگ تدوین کرده است که به علت غارت طایفه نورمحمدخانی به سرقت می‌رود. ملا منوچهر تا اواسط قرن دوازدهم زنده بوده است (رضائی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). در مقام اجتماعی و اعتقادی این شاعر، باید گفت طبق شواهد و فحوای اشعارش، وی از فقرای سلسله خاکسار ابوترابی بوده است؛ چرا که در ابیاتی نام وفایی یا وفا را ذکر کرده است:

چۆین فه فائی عه‌له‌ی هر ره‌مه فات مه‌دحه مولا به زه صۆم و ئقتدا

(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱)

ملا منوچهر خان شاعر اشعار کردی و لکی است و با موسیقی آشنایی کامل داشته است و جنبه موسیقایی اشعار او در بین شاعران کرد، لر و لک کم‌نظیر است (همان: ۱۴). وی در قالب‌های ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، غزل و مثنوی شعر سروده است (غضنفری امرائی، ۱۳۶۴: ۸۸).

۲- بررسی ویژگی‌های سبکی ملا منوچهر کولیوند

۲-۱- سطح زبانی

زبان یکی از مهم‌ترین مواردی است که دانش سبک‌شناسی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. «یکی از شاخصه‌های مهم سبک، مسئله تمرکز و تداوم رفتارهای زبانی خاص در یک پیکره متنی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۸). سطح زبانی سه سطح آوایی، لغوی و نحوی را در برمی‌گیرد.

۲-۱-۱- سطح آوایی

در سطح آوایی روش به کار بردن واحدهای آوایی (آهنگ و صدا) در موقعیت زبانی و نقش و کاربرد بیانی اصوات و آواها مورد بررسی قرار می‌گیرد (همان: ۲۴۳). به سطح آوایی، سطح موسیقایی نیز می‌گویند؛ زیرا در مقایسه با بلاغت شعر فارسی، موسیقی بیرونی (وزن)، کناری (قافیه و ردیف) و موسیقی درون متن (بدیع لفظی) بررسی می‌شود.

۲-۱-۱-۱- موسیقی بیرونی (وزن)

ملا منوچهر از پیشروان به‌کارگیری اوزان عروضی در سرودن اشعار محلی غرب کشور است؛ زیرا پیشتر سرودن شعر با وزن هجایی رایج بود (نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۵).

مولا مه مه‌داح له کم و مه‌دح تو واتم وه له فظ له کی دهر طه‌له‌ب مه‌دح و شه‌ناتم

(همان: ۷۹)

این بیت در بحر هزج مثنی‌اخر ب مکفوف محذوف (مفعول مفاعیل مفاعیلن فعولن) سروده شده است. شعر ملا منوچهر را می‌توان گذار شعر لکی از وزن هجایی به وزن عروضی دانست. همین امر موجب سادگی بحور مورد استفاده اوست.

۲-۱-۱-۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

در دیوان ملا منوچهر دو نوع قافیه وجود دارد: قافیه‌های عربی و قافیه‌های فارسی و لکی.

الف. قافیه‌های عربی

بیشتر قافیه‌های ملا منوچهر واژه‌های عربی هستند؛ برای نمونه، قافیه‌های اعلام، اسلام، احکام، اکرام، قسام، فرجام، اصنام، ضرغام، صمصام، عقبام و... را در قصیده «در مدح اسدالله الغالب» (نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۲) اولاد، اجداد، ناد، ایجاد، ارشاد، افراد، امداد سجاد و... را در قصیده «در مدح مولا علی (ع)» می‌توان نام برد (همان: ۴۹-۴۶).

ب. قافیه‌های فارسی و لکی

قافیه‌های فارسی و لکی اشعار ملا منوچهر ساده هستند و به ندرت از کلمات مرکب جهت ساخت قافیه استفاده شده است.

ژ بادۀ نه‌گهر خلیل و گول‌بون بهشته‌نی نه‌ژ می‌غورور دا عده‌وش کوشته گه‌شته‌نی
ژ بادۀ مسیح دا صفا و صدق زنده‌گی ژ بادۀ نه‌یوب دا بهبود ژ زخم آکه‌نده‌گی

(همان: ۶۳)

در واژه‌های فارسی- لکی گاهی حروف بعد از روی (وصل و خروج، مزید و نایر) نیز در قافیه‌های ملا منوچهر دیده می‌شود:

هستی گشت ماسوا وجود هسته‌تن عه‌لی سه‌ریر عه‌رش نه‌ فله‌ک خه‌زیز په‌سته‌تن عه‌لی

(همان: ۴۶)

ج. ردیف

ملا منوچهر به خاطر علاقه‌ای که به آهنگین کردن تحمیدیه‌هایش دارد از ردیف برای خوش‌آهنگی آن‌ها بهره برده است. ملا منوچهر معمولاً از واژه‌های لکی برای ردیف بهره برده است:

ته‌بارک نه‌فسه‌رن عه‌لی شه‌فیع مه‌شهرن علی قه‌سسیم کوشه‌رن عه‌لی ژه‌ جوود و ژه‌ عه‌طا فتی
گه‌ خوم غه‌دیر هه‌ت نه‌میری نه‌میر هه‌ت له‌ نه‌هل دین ظه‌هیر هه‌ت نه‌بی و به‌رمه‌لا فتی

(همان: ۸۷)

«فتی» یعنی گفته است، در جایگاه ردیف قرار دارد. گاهی ردیف شعر ملا منوچهر اسم خاص است؛ مانند نمونه زیر که «علی» (ع) به عنوان ردیف قرار گرفته است:

بار ساقی باده‌ی پور نور به‌ر یاد عه‌لی می‌پی‌نه‌ندر پی‌بده‌ر نه‌ژ عشق‌نه‌و نه‌ولاد عه‌لی
باده‌کامین باده‌ین دهر کام‌بو‌توراب دهر خور خورد عه‌لی نه‌بنا و نه‌جداد عه‌لی

(همان: ۴۷)

گاهی نیز عبارتی لکی را در جایگاه ردیف قرار می‌دهد که این موضوع بیشتر در ترجیع‌بندها مشاهده می‌شود:

دهر یوم‌نوخوست عه‌ده‌ نه‌له‌ست نه‌ژ دس‌تو‌دین هم‌نه‌رض سه‌ما ره‌فعت په‌ست نه‌ژ دس‌تو‌دین
خه‌لق دو‌جه‌هان بوده‌ن مه‌ست نه‌ژ دس‌تو‌دین نه‌سلام قه‌وی کوفر شکه‌ست نه‌ژ دس‌تو‌دین

(همان: ۵۸)

۲-۱-۱-۳- موسیقی درونی (بدیع لفظی)

از میان آرایه‌های بدیع لفظی گونه‌هایی از انواع جناس، سجع، واج‌آرایی و تکرار در شعر ملا منوچهر دیده می‌شود که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف- جناس

جناس اشتقاق

موجود نه‌زل مه‌قصه‌د و مه‌قصود وجودی قولزوم چو کی قه‌طره ئکرام علی‌یهن
(همان: ۴۲)

در این بیت مقصد و مقصود آرایه اشتقاق دارند.

جناسی افزایشی

وه‌صف به‌های دین بکه‌م حه‌کایه‌ت نه‌ژ نگین بکه‌م خاتمه‌م ژه‌خه‌تم ئنبیا و مزد شه‌س‌تته‌ن عه‌لی
(همان: ۴۶)

دو واژه خاتم و ختم جناس افزایشی دارند.

ب- سجع

سجع متوازی

نه‌بی ئولوم دهر نی ئه‌لی ژه‌جوود به‌حر نی نه‌بی نه‌علم شه‌هر نی عه‌لی و بابوها فتی
(همان: ۱۴)

در این بیت واژه‌های «دهر»، «بحر» و «شهر» پایه‌های سجع متوازی هستند.

سجع مطرف

یه‌به‌زم بولبول و چه‌مه‌ن یه‌یار محبه‌ت ئول‌له‌حن یه‌لاله و یه‌یاسه‌من یه‌نه‌رگس و یه‌نه‌سته‌رن
(همان: ۶۳)

واژه‌های «چمن» و «لحن» با واژه «یاسمن» سجع مطرف می‌سازند.

سجع متوازن

یه‌گول‌ئذار خوش لقا یه‌عه‌نده‌لیب خوش سخه‌ن یه‌موطربان خوش صه‌فا یه‌ساقیان سیم‌ته‌ن
(همان: ۶۳)

«لقا» و «سخن» و نیز «سخن» و «صفا» هم‌وزن‌اند و در قرینه هم به کار رفته‌اند؛ بنابراین سجع متوازن هستند.

ج- واج‌آرایی

زیاد و که‌م تو غه‌لط، غولو، غه‌لط، غولو غه‌لط پره‌ستش تو کیف و کم خودا پره‌ستته‌ن عه‌لی
(همان: ۴۶)

واج‌آرایی در واج «غ»، «ل» و «ط» گوش را می‌نوازد.

د- تکرار

صحه‌ر نه‌بی و زور نه‌بی له‌حمه‌ک له‌حمی دهر دین نه‌بی پشتی ئسلام ئلی‌یه‌ن
(همان: ۴۲)

واژه «نبی» سه بار در این بیت تکرار شده است.

۲-۱-۲- سطح لغوی

۲-۱-۲-۱- فرایند واجی کاهش

فرایندهای واجی در واژه‌های لکی نیز دیده می‌شود که ملا منوچهر گاهی بنا بر رعایت عروض و قافیه آن‌ها را رعایت نمی‌کند. از مواردی که در شعر ملا منوچهر بدان برمی‌خوریم: یکی از فرایندهای واجی لکی، فرایند کاهش یا حذف واج در آغاز، میان و پایان واژه‌ها است (آزادپور، ۱۳۹۲: ۳۷؛ بیرانوند و زهره‌وند، ۱۳۹۹: ۹-۶). ملا منوچهر گاهی آن را رعایت می‌کند و گاهی آن را به تناسب وزنی نادیده می‌گیرد. همچون: حذف «ه» در پایان کلمات مختوم به «ه»؛ حذف «ت» در کلمات مختوم به «ت»؛ حذف «ب» در کلمات مختوم به «ب»؛ حذف «د» میانی و پایانی کلمات است.

ملا منوچهر، واژه پیوست را پیوس (همان: ۴۶)، «کدامین» را «کامین» (۱۳۸۱: ۴۷)، «داد» را «دا» (همان: ۵۴) و «مروارید» را «مرواری» (همان: ۵۴) تلفظ می‌کند. او واژه «شاه» و «پادشاه» را که در لکی «ه» غیرملفوظ آن حذف می‌شود، به دو صورت «شاه» و «شا» «پادشاه» و «پادشا» آورده است:

ئه زائر وه ئران وه تو چه شاه له تهران زوئار نه‌جف مال شه‌هه‌ن‌شام عه‌لی‌یه‌ن

(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۴۵)

برگردان: ای زائر ویران، به تو چه که شاه در تهران است؟ من زائر نجف و شاه شاهانم علی است.

«باز سلطان ازل بی پادشاه» (همان: ۵۴)

و یا واژه «دست» و «دس» هر دو در دیوان ملا منوچهر کاربرد دارد:

ما‌فوق ده‌ست بان دس له عه‌د تو مه‌که‌م اله‌س ده‌ست خودا توئی وه هس خودا تو ده‌ست‌ته‌ن عه‌لی

(همان: ۴۶)

۲-۱-۲-۲- فرایند واجی ابدال «ز» به «ژ»

در زبان لکی و کردی گاهی ز به ژ تبدیل می‌شود؛ این فرایند واجی در شعر ملا منوچهر نیز دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه، «روز» را به صورت «روژ» به کار می‌برد (همان: ۴۶). وی در بیشتر موارد حرف اضافه «اژ» و «ژ» را به جای «از» و «ز» تلفظ می‌کند.

ئه‌ژ صه‌با سونبول له‌کی هه‌م خوی ژه به‌رگ گول چه‌کی هه‌م ئه‌ژ گول و مول می مه‌کی هه‌م باده‌خار و می‌گوسار

(همان: ۷۱)

۲-۱-۲-۳- واژه‌های کهن لکی

واژگان کهن لکی نیز در شعر ملا منوچهر به چشم می‌خورد. اکنون کاربرد این واژه‌ها بسیار کم شده است. از جمله این واژه‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: حاودان: آبادان (همان: ۴۹)، الهه‌ن‌گه‌ری: رقص و پایکوبی (همان: ۵۳)، په‌پی: پروانه (همان: ۶۰).

۲-۱-۲-۴- واژه‌های عربی

واژه‌های عربی در دیوان ملا منوچهر نسبتاً زیاد است؛ برای نمونه در قصیده «مدح اسدالله الغالب» واژه‌های عربی نعم، انعام، عشر، هو، سماوات، ارض، نبی، اکرام، اعلام، جنت، ازل، انوار، تابع احکام و... دیده می‌شود (نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۲). بیت آغازین این قصیده به جز در سه واژه، عربی است:

نه‌عمای جه‌هان خه‌ل‌عه‌ت ئه‌ن‌نام عه‌لی‌یه‌ن هوو ئه‌سم خودا عوش‌ریه‌کی نام عه‌لی‌یه‌ن

(همان: ۴۲)

ملا منوچهر اشعاری را که در وصف ائمه و به‌ویژه علی (ع) سروده سرشار از واژگان عربی کرده است:
 خاص اصل لیس ابدان لباس قلبک و جسمک ئه‌را و افک فدا
 (همان: ۵۵)

۵-۲-۱-۲-۵- واژه‌های ترکی

ملا منوچهر با زبان ترکی نیز آشنایی دارد و واژه‌هایی را از این زبان در دیوان خود به کار برده است که البته زیاد نیست:

شاه‌ها عربی کلپ و تۆرکی که‌په که‌تم هر چند خه‌طا کارمه مه‌داح له که‌تم
 (همان: ۸۵)

در زبان ترکی «که‌په‌ک» به معنی سگ است.

۶-۲-۱-۲-۶- واژه‌های کهن فارسی

واژه‌هایی مانند خزیر: خاکستر (همان: ۴۲)، فام: مانند (همان: ۴۳)، دادار: آفریدگار (همان: ۴۷)، استبرق: پارچه ابریشمی (همان: ۵۴) و دیجور: تاریک (همان: ۱۰۱) در دیوان ملا منوچهر به کار رفته است که اکنون کاربرد کمی دارند.

۳-۲-۱-۳- سطح نحوی

۱-۳-۱-۲- کاربرد فعل‌های لکی

ملا منوچهر فعل‌های لکی را بیش از سایر فعل‌ها در زبان‌های دیگر به کار می‌برد.

یاران نیش‌ت ئه‌و دَل یاران نیش‌ت ئه‌و دَل هم گه‌رد عه‌ندوه غه‌مان نیش‌ت ئه‌و دَل
 (همان: ۱۱۱)

«نیش‌ت» به معنی نشست است. فعل‌های لکی دیگر عبارتند از: بَدَر: بگردان و بریز (همان: ۴۷) دا: داد (همان: ۵۴)، هات: آمد (همان: ۵۵)، وت: گفت (همان: ۵۶)، نیا: گذاشت (همان: ۵۷)، بیم: شدم (همان: ۶۸)، هت: آمد (همان: ۷۰)، دیرم: دارم (همان: ۷۱)، بی: بود (همان: ۷۷)، بار: بیار (همان: ۹۸)، بکر: بکن (همان: ۱۰۲)، وری: بلند شو (همان: ۱۰۵). همچنین در برخی جاها به جای فعل «است» و «هستند» پسوند «ن» را به یکی از واژه‌ها می‌پیوندند که کاربرد فعل را دارد.

ئِی ده‌ست تو معمار سه‌ماوات و زه‌می‌نه‌ن ئِی مه‌رحه‌مه‌ت مورشد جبریل ئه‌می‌نه‌ن
 (همان: ۷۹)

۲-۳-۱-۳-۲- صفت اشاره و ضمیر

ملا منوچهر، به جای «این» و «آن» از معادل لکی آن‌ها؛ یعنی «یه» و «او» استفاده می‌کند:

یه گول‌عه‌ذار خوش‌له‌قا یه عه‌نده‌لیب خوش‌سوخن یه مه‌طربان خوش‌صه‌فا یه ساقه‌یان سه‌یم‌ته‌ن
 (همان: ۶۳)

شایه‌د نه‌مه‌رم ده‌رگه ئه‌و دووس به‌بووسم ئه‌و سا مه‌ش‌کف‌یام چو گول‌به‌رگ شه‌قایق
 (همان: ۶۸)

و ضمیر اول شخص مفرد «من» را به صورت «مه» به کار می‌برد:

مولا مه مه‌داح له که‌م و مه‌دح تو واته‌م و له‌فظ له‌کی ده‌ر طه‌له‌ب مه‌دح و شه‌ناتمه‌م
 (همان: ۷۹)

۲-۳- سطح ادبی

سطح ادبی دربرگیرنده «توجه به واژگانی است که در معنی مجازی به کار رفته‌اند، موضوعات علم مانند تشبیه، استعاره، کنایه و سمبل و موضوعات بدیع معنوی مانند ایهام، تناسب و خلاقیت ادبی در اثر است» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۵۸). آنچه از سطح ادبی مورد نظر است، باعث خیال‌انگیزی اثر ادبی می‌شود و از تخیل سرچشمه می‌گیرد. «کاربرد تخیل آن است که اندیشه را با زبانی جذاب عرضه کند» (برت، ۱۳۸۲: ۱۳). شفیعی کدکنی خیال را به معنی مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر و تصویر را به معنی هر گونه بیان برجسته و مشخص به کار برده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۶). وی در جایی دیگر صور خیال را بی‌کرانه‌ترین حوزه خلاقیت در ادبیات می‌داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۳۶).

ملا منوچهر به تناسب موضوع از سطح ادبی بهره جسته است. در ادامه صور خیال دیوان ملا را بیشتر بررسی می‌کنیم.

۲-۳-۱- تشبیه

در دیوان ملا منوچهر انواعی از تشبیه دیده می‌شود؛ این موضوع بیانگر ذوق لطیف شاعر و آشنایی او با تشبیه است.

۲-۳-۱-۱- تشبیه مفصل

پهروانه صه‌فت ناشق مشکات هداتم ناصی و خه‌طاکار شه‌ها رۆی وه تو هاتم

(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۸۳)

در این بیت «من» مشبه، «پروانه» مشبه‌به، «عاشق مشکات هدات» وجه شبه و «صفت» ادات تشبیه است.

۲-۳-۱-۲- تشبیه بلیغ و مجمل

پی په‌رتو شه‌معت په‌پی گرد چراغم نه‌ژ حسره‌ت گول‌به‌رگ له‌بت بولبول باغم

(همان: ۶۰)

در مصراع نخست، گوینده خود را به پروانه‌ای تشبیه کرده است که در گرداگرد چراغ می‌گردد؛ این یک تشبیه بلیغ است. در مصراع دوم خود را به بلبل باغ تشبیه کرده است که در حسرت گلبرگ لب معشوق است. این تشبیه مجمل است. گلبرگ لب هم تشبیه بلیغ از نوع اضافی است.

۲-۳-۱-۳- تشبیه تفضیل

ژه نوورت نقتباس خه‌ؤر روخ تو جلقه‌ دا قه‌مهر به‌س‌اط عه‌رش جلقه‌ گهر له مال امه‌ها وتی

(همان: ۹۰)

در این بیت معشوق را از چنان بزرگی برخوردار می‌داند که خورشید از او نور می‌گیرد و ماه و عرش جلوه‌گر امهات او هستند.

۲-۳-۲- مجاز

می‌توان انواعی از مجاز را در دیوان ملا منوچهر یافت که بنا بر رعایت اختصار بحث به یک نمونه بسنده می‌کنیم.

ئه شیعیه مه‌یه‌ندیش نه‌ژ نه‌و رۆژ حسابت میزان و جه‌نان قاسم و قه‌سام عه‌لی‌یه‌ن

(همان: ۴۳)

در این بیت میزان مجاز از عدالت، با علاقه آیه است که به وسیله میزان محقق می‌شود.

۲-۳-۳- کنایه

ملا منوچهر به خاطر زبان عامیانه‌ای که دارد از کنایات به فراوانی بهره گرفته است. باید یادآور شویم که بیشتر کنایات ملا منوچهر همان کنایاتی است که در فارسی، لکی و کردی مشترک است.

سهر دای وه جه‌نگ شیرِ خودا دهر صه‌ف صه‌فین ئه‌و به‌در و ئوحد هه‌مله هنگام عه‌لی‌یه‌ن
(همان: ۴۴)

سهردای وه جه‌نگ (سر به جنگ دادن) کنایه از خود را فدا کردن در جنگ است که در فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی نیز رایج است.

سهر تا قه‌ده‌مم دهر ره تو عشق و نه‌لایق دوشمن ژه تو موسته‌غره‌ق و مه‌نکوب موفاق
(همان: ۵۸)

سر تا قدم کنایه از همه وجود است.

۳-۳-۲- استعاره

در دیوان ملا منوچهر استعاره نیز به فراوانی وجود دارد.

شه‌مس زه‌رین بال با فوروغ فه‌تح فه‌رین فوق فه‌رق و شه‌رق گه‌رین صبح‌دهم هات ئه‌و دیار
(همان: ۶۹)

برگردان: خورشید زرین بال، با روشنایی و پیروزی باشکوهش، صبحگاهان بر همه جای کوه گرین پدیدار شد. ترکیب شمس زرین بال استعاره مکنیه است. همچنین این که شمس بیاید، استعاره مکنیه از نوع تشخیص دارد.

۴-۳-۲- تلمیح

اشعار ملا منوچهر، به خاطر بینش مذهبی شاعر، در برگیرنده اشارات قرآنی و داستان‌های دینی است. ملا در برخی از موارد اشاراتی به داستان‌های ملی هم کرده است.

ئر مه‌دح بکه‌م طور کور عه‌بدو‌فدی کوشت کی کور جه‌هان مثل کور مام عه‌لی‌یه‌ن
(همان: ۴۴)

این بیت اشاره به کشته‌شدن عمرو بن عبدود^۱ به دست امام علی (ع) در جنگ خندق دارد (نک. مفید، ۱۴۱۳: ۱/ ۱۰۰).

دهمی غه‌می ره‌ها که‌رو قری ژه چاه بیژنه‌نی تو به‌رگوزین و کام دل نشاط فصل به‌مه‌نی
(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱)

(۶۳)

برگردان: یک لحظه غم را رها کن که مانند چاه بیژن است که باید از آن بیرون بیایی. تو باید کام دل خویش را از فصل بهمن برگیری.

اشاره به داستان بیژن و منیژه و به چاه انداختن بیژن دارد که در شاهنامه آمده است (فردوسی، ۱۳۸۶: ۵/ ۵۹).

۵-۳-۲- تضمین

ملا منوچهر سخنانی را از آیات و احادیث تضمین کرده و کوشیده است اصل متن و یا ترجمه آن را در سخن خویش بیاورد.

کُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ دهر یه‌قین هالک نیه‌ن^۲ فه‌جه خودا
(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۵۲)

^۱. نین: نیست.

شاعر آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص / ۸۸) را به صورت متن اصلی در این بیت به کار برده است.

فهرمود محمدهد منم نهژ علم مه‌دینه ده‌رفازه شهر من نهژ عه‌لام علی‌یهن
(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۴۲)

برگردان: حضرت محمد (ص) فرمود: من مانند شهر علم هستم که دروازه آن شهر شناخت علی (ع) است. شاعر ترجمه بخشی از حدیث نبوی (ص) را در بیت آورده است: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۱: ۱۲۶/۳).

۶-۳-۲- مراعات نظیر

ملا منوچهر عناصر طبیعی، به‌ویژه نام گل‌ها و گیاهان را به فراوانی در کنار هم به کار برده است که این موضوع آرایه مراعات نظیر را به وجود آورده است.

نه‌رغقان و یاسه‌مه‌ن گول سووسه‌ن و نه‌سری‌ن و سونبول نه‌رگس شوخ قه‌ره‌نفول گول شه‌قایق داغدار
(همان: ۷۳)

نام گل‌های ارغوان، یاسمن، سوسن، نسری‌ن، سنبل، نرگس، قرنفل و شقایق در این بیت مراعات نظیر به وجود آورده است.

۷-۳-۲- اغراق

ملا منوچهر در وصف مولای متقیان گاهی به مقام غلو گراییده است:

سه‌رشت نادم نهژ عه‌لی سکون ناله‌م نهژ نه‌لی شادی عه‌لی غم نهژ عه‌لی ده‌سی ده‌س خودا فتی
(همان: ۸۷)

این‌که شاعر بر خلاف اشارات قرآنی، به جای پیامبر اعظم، علی را منشأ وجود و سکون عالم می‌داند و زندگی خود و عالمیان را در گرو عشق وی می‌داند غلو است که همین موجب شده است که به روایت گردآورنده دیوانش وی را منتسب به فرقه علی‌الهی بدانند (همان: ۴۵).

۸-۳-۲- تضاد

تضاد از آن آرایه‌هایی است که به فراوانی در دیوان ملا منوچهر به کار رفته است که تنها یک نمونه را از آن همه می‌آوریم:

درویش تو مه‌حسووم و شاها یه به‌س‌من نهژ سایر فه‌قر فه‌قهرات هم هه‌وه‌س‌من
(همان: ۸۴)

برگردان: من درویش تو به حساب می‌آیم و ای شاه این برای من بس است. فقرهای دیگر برای من مانند هوس است.

درویش و شاه تضاد دارند.

۹-۳-۲- تنسیق الصفات

ملا منوچهر در آوردن صفات پی‌درپی مهارت خاصی دارد؛ به گونه‌ای که خواننده را شگفت‌زده می‌کند. نه‌ژ فعل به‌دم نادم و په‌ژمورده و ماتم ئاصی و خه‌طاکار شه‌ها رقی فه تو هاتم (همان: ۸۵)

برگردان: از فعل بد خویش نادم، پژمرده و مات هستم. بنابراین ای شاه، گناهکار و خطاکار رو به سوی تو آمدم. صفات نادم، پژمرده، مات، عاصی و خطاکار را به خود نسبت داده است.

۴-۲-۲- سطح فکری

۱-۴-۲- وصف پیری

پیری و مصایب آن یکی از موضوعات شعر ملا منوچهر است. او در آغاز مثنوی پیری خود می‌گوید:

پیری به‌سه‌وه پیری به‌سه‌وه	پیری باب عیش نه رۆیم به‌سه‌وه
ز میل دلدار دل شکسته‌وه	خوارم وه دیده شوخ مه‌سه‌وه
خده‌نگ قامه‌تم که مان به‌سه‌وه	عه‌صای زنه‌ارم دا وه ده‌سه‌وه

(همان: ۱۰۸)

برگردان: پیری دیگر بس است. پیری در خوشی را به رویم بسته است. از اشتیاق معشوق دلم شکسته است. از چشم مست معشوق خوار گشته‌ام. قامت که همچون چوب خدنگ راست بود، مانند کمان خمیده شده است. پیری چوبدستی زنه‌ارخواهی را به دستم داده است.

۲-۴-۲- اندیشه دینی

کمتر شعری را از ملا منوچهر می‌توان یافت که رنگ و بوی مذهبی نداشته باشد. مایه اصلی اندیشه‌ورزی او مذهب شیعه و در مرکز آن اهل بیت است. هر جا هم نامی از بهار و گل و... می‌برد با ستایش علی و خاندانش (علیهم السلام) آن را پایان می‌دهد.

مه‌قصه‌دم کی ژه به‌هاران کی ژه نوروز و نگارن	حه‌یدر دولدول س‌ه‌وارن حامی رۆژش‌ومار
شاه هه‌فت ثقلیم و خاوه‌ر نوربه‌خش هه‌فت ک‌شوه‌ر	یاوه‌ر و یار په‌یه‌مه‌به‌ر ذات فه‌ضل که‌ردگار

(نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۷۴)

۳-۴-۲- ستایش

ستایش بخش زیادی از دیوان شعری ملا منوچهر را تشکیل می‌دهد. او سه قصیده آغازین دیوان خود را به ستایش حضرت علی (ع) اختصاص داده است (نورمحمدی، ۱۳۸۱: ۴۲-۵۰). وی همچنین غزل و ترجیع‌بندی در ستایش حضرت علی (ع) دارد (همان: ۶۲-۵۱). ستایش حضرت محمد (ص) بن‌مایه دیگری است که ملا منوچهر در اشعارش بدان پرداخته است. معراج پیامبر موضوعی است که شاعر به آن اشاراتی داشته است. او همچنین قصیده‌ای به نام معراج‌نامه سروده است:

ئه‌خی هه‌ت وه سه‌لام داد و به‌تر ئه‌له‌نام دا	سه‌لام دا په‌یام دا وه خیره ئه‌لوه‌راء فتی
فری گه معراج‌ه‌ته‌ن یه‌ فه‌ر و فه‌خر تاج‌ه‌ته‌ن	یه‌ ماس‌فا محتاج‌ه‌ته‌ن دیدارت ناشنا فتی
نه‌بی موطیع یار بی مه‌حکوم که‌ردگار بی	بوراق را سه‌وار بی عوروز دهر هه‌وا فتی

(همان: ۹۱-۹۰)

برگردان: برادر آمد و به بهترین مردمان سلام داد. او سلام و پیام خود را به بهترین فرزند ادا کرد. او گفت: برخیز که هنگام معراج توست. این مایه شکوه و افتخار تاج پیامبری تو خواهد بود. مردمان نیازمند دیدار تو هستند؛ به همین خاطر به تو صفت آشنا داده است. نبی فرمانبردار یار بود و از کردگار پیروی می کرد. او سوار بر براق شد و در آسمان به سمت خدا بالا رفت.

ملا منوچهر دوستی حسین بن علی (ع) و عباس بن علی (ع) را نیز در سینه دارد و بخشی از اشعارش را به این موضوع اختصاص داده است. او در قصیده بدر بنی هاشم می گوید:

پیکه‌ری به در به‌نی هاشم له‌قه‌ب مه‌ظه‌ری نوور عه‌لی مورته‌ض‌ا
شیرِ ثبن شیرِ عه‌باس عه‌لی ده‌ست کوپِ ده‌ست حه‌ق ناحه‌ق جو‌دا
دهر غه‌زا غازی غه‌زو دین نه‌حه‌د ضه‌یغهم عه‌طشان ده‌شت که‌ره‌لا
(همان: ۵۶)

برگردان: ای عباس، لقب تو ماه بنی هاشمی است. تو مظهر نور علی مرتضی (ع) هستی. تو شیری هستی که پسر شیر است. در حالی که دست پسر کسی که عدالت را اجرا می کرد بریده شده است. در جنگ رزمنده‌ای هستی که در راه خدا می جنگی. تو شیر تشنه دشت کربلا هستی.

۵-۴-۲- توصیف بهار

شاعر با دیدن زیبایی‌های بهار و رستاخیز طبیعت شاد می شود و به توصیف آن می پردازد.

عه‌یام تار ته‌لح چی ره‌سیه شه‌مع روشنی دلا وه سیر ره‌ه‌زن و مه‌قام شادی‌یه‌ن هه‌نی
یه به‌زم بولبول و چه‌مه‌ن یه یار موحه‌به‌ت ثول‌له‌حه‌ن یه لاله و یه یاسه‌مه‌ن یه نه‌رگس و یه نه‌سته‌رن
(همان: ۶۳)

۶-۴-۲- ساقی‌نامه

ملا منوچهر با سرایش ساقی‌نامه به توصیف عاشقانه‌هایش می پردازد. او می را می ستاید؛ اما این می، یا می ربانی است یا می دوستی علی (ع). او مست می جام نادعلیا حضرت مولا می شود:

هه‌ت سه‌حه‌ر و بورج ئوفوق ئافتاب جلوه نما چو روخ بوتوراب
نوور عه‌لی نه‌و شه‌هه‌ نالی جناب ئاله‌م نه‌ژ نه‌و جلوه‌گر و کامیاب
نوور نه‌بی و وه‌لی‌یه‌ن مونجه‌لی نادعه‌لی‌یه‌ن عه‌لی‌یه‌ن یا عه‌لی
(همان: ۹۸)

۷-۴-۲- شادی‌گرایی

شعر ملا منوچهر شادی‌گراست؛ به‌ویژه آن‌جا که در وصف حضرت علی (ع) شعر می سراید، شادی به اوج خود می رسد. شادی در نوع گزینش واژگان و وزنی که برگزیده کاملاً پیداست.

باده بدهر باده فه‌خر به‌شه‌ر باده بدهر باده نه‌ثنا عه‌شه‌ر
مور بنوشی تو سلیمان شمه‌ر په‌شه خوری فاخر نه‌و نه‌هل به‌ر
نور نه‌بی و وه‌لی‌یه‌ن منجه‌لی نادعه‌لی‌یه‌ن عه‌لی‌یه‌ن یا عه‌لی
(همان: ۹۹)

۸-۴-۲- توصیف طبیعت

ملا منوچهر عناصر طبیعی مانند گل‌ها، گیاهان، خورشید و... را به زیبایی در شعر خود توصیف کرده است. او برای این کار از صور خیال نیز بهره برده است.

گولّ شه‌دبو گولّ و دلجو گولّ و مینو گولّ سه‌بو گولّ وه عین گولّ وه نه‌برو گولّ وه گولّ کوگل‌عه‌یار
(همان: ۷۲)

برگردان: گل بسیار خوشبو و دلجو است. گل شبیه بهشت و کوزه است. گل با چشمان و ابروان قشنگ آمده است؛ در حالی که شبیه خرمنی است که معیار بهار است.

این وصف‌های زیبا از طبیعت و همچنین احاطه ملا منوچهر در عربی‌دانی و کاربرد الفاظ عربی، قصاید و مسمط‌های منوچهری دامغانی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند» (محمودی، ۱۳۹۲: ۸).

۳- نتیجه‌گیری

ملا منوچهر کولیوند از شاعران لک است که سبک زبانی اشعاری نزدیک به زبان فارسی است. می‌توان گفت سبک شعری او آمیخته‌ای از لکی، فارسی و عربی است. این پژوهش دیوان ملا منوچهر را در سه سطح آوایی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار داد و با این نتایج به پایان رسید:

۱- سطح زبانی: الف) سطح آوایی: ملا منوچهر از وزن‌های عروضی به جای هجایی استفاده کرده و قافیه‌های عربی، فارسی و لکی را به کار برده است. ردیف‌های شعر او بیشتر لکی است. انواعی از جناس، سجع و واج‌آرایی در شعر او دیده می‌شود. ب) سطح لغوی: گاهی ملا منوچهر واج «ه، ت، ب» پایانی و «د» میانی و پایانی را از واژه‌ها حذف می‌کند. تبدیل واج «ز» به «ژ» که در لکی رایج است در دیوان ملا نیز وجود دارد. واژه‌های کهن لکی که اکنون کاربرد کمی دارند در دیوان وی دیده می‌شوند. وی واژه‌های عربی را به‌ویژه هنگامی که خواسته است، از بزرگان دین سخن بگوید نسبتاً زیاد به کار برده است. تعداد کمی واژه ترکی و نیز واژه‌های کهن فارسی در دیوان ملا وجود دارد. ج) سطح نحوی: ملا منوچهر فعل‌های لکی را بیش از فعل‌های دیگر زبان‌ها به کار برده است. وی از برابرهادهای لکی «این» و «آن» و ضمیر اول شخص لکی استفاده کرده است.

۲- سطح ادبی: ملا تشبیه مفصل، بلیغ، مجمل و تفضیل را به کار برده است. مجاز، کنایه، استعاره، تلمیحات قرآنی و ملی، تضمین، مراعات نظیر، اغراق، تضاد و تنسیق الصفات نیز در دیوان ملا منوچهر دیده می‌شود.

۳- سطح فکری: ملا منوچهر در وصف پیری شعرهایی دارد. او در پی اندیشه‌های دینی خود در ستایش بزرگان دینی اشعار زیادی سروده است. مضمون‌های دیگر شعر او توصیف بهار، ساقی‌نامه، شادی‌گرایی و توصیف طبیعت است.

منابع

فارسی:

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آزادپور، رضا (۱۳۹۲). *گوش لکی (آواشناسی، دستور، واژگان)*. قم: نگارن نور.
- برت، ریموندلارنس (۱۳۸۲). *تحلیل*. ترجمه مسعود جعفری جزئی. تهران: نشر مرکز.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۸). *سبک‌شناسی* نشر. تهران: پرستو و امیرکبیر، چاپ سوم.
- بیرانوند، یوسف‌علی؛ زهره‌وند، سعید (۱۳۹۹). «فرایند تغییرات واجی در انتقال از زبان پهلوی به لکی». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. دوره ۱۰. شماره ۱. خرداد ۹۹. صص ۲۰-۱.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ۵ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۵). «فهلویات». ترجمه فریبا شکوهی. *نامه فرهنگستان*. بهار ۸۵. شماره ۲۹. صص ۱۳۰-۱۱۹.
- چگنی، حسن رضا (۱۳۹۱). *صور خیال در شعر غنایی لکی*. استاد راهنما: علی نوری. خرم‌آباد: دانشگاه لرستان.
- حسینی‌کازرونی، سیداحمد (۱۳۷۹). «فهلویات (درآمدی بر دوبیتی‌سرایي)». *پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*. شماره ۲۸. صص ۶۴-۴۶.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: انتشارات آگه، چاپ شانزدهم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰). *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: فردوس، چاپ ششم.
- غضنفری، اسفندیار (۱۳۶۴). *گلزار ادب لرستان (تذکره امرائی)*. خرم‌آباد: دانش خرم‌آباد.
- فتوحی‌رودمعجنی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*. براساس چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان، تهران: انتشارات قطره.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۷۱). *سبک خراسانی در شعر فارسی*. تهران: انتشارات فردوس.
- محمودی‌حیدری، مجید (۱۳۹۲). *بررسی و مقایسه تطبیقی توصیف طبیعت در دیوان ملا منوچهرخان کولیوند و منوچهری دامغانی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. استاد راهنما: علی‌عباس رضایی. خرم‌آباد: دانشگاه لرستان.
- مفید، محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. ۲ جلد. قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- نورمحمدی، منوچهر (۱۳۸۱). *دیوان ملا منوچهر کولیوند*. خرم‌آباد: افلاک.

English:

Leech, Geoffrey; M. Short (1981). *Style in Fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose*. London: Longman.